

روزی که امیرکبیر به قتل رسید

روز ۱۸ دی سال ۱۲۳۰ هجری شمسی، میرزا تقی‌خان امیرکبیر، صدراعظم ایران در دوره ناصرالدین شاه قاجار، به دستور شاه به قتل رسید.



روز ۱۸ دی سال ۱۲۳۰ هجری شمسی، میرزا تقی خان امیرکبیر، صدراعظم ایران در دوره ناصرالدین شاه قاجار، به دستور شاه به قتل رسید.

به گزارش ایسنا، تاریخ ایرانی نوشت: «میرزا تقی خان فراهانی ملقب به امیرکبیر از بزرگترین و تاثیرگذارترین رجال سیاسی دو قرن اخیر ایران و فرزند کربلایی محمد قربان فراهانی در سال ۱۲۲۳ هجری قمری در خانواده ای از طبقات پایین جامعه به دنیا آمد. پدرش که اهل روستای هزاره شهرستان اراک بود در دربار قاجار ها آشپز بود و به همین واسطه با مقامات حشر و نشر داشت. میرزا تقی خان تحصیلات مقدماتی را زیر نظر پدرش آموخت.

میرزا تقی در اوایل جوانی در سمت منشی قائم مقام اول به خدمت مشغول شد و مورد عنایت این رجل سیاسی دانشمند قرار گرفت و بعد ها در دستگاه قائم مقام دوم نیز مورد توجه واقع شد تا جایی که وی را همراه هیاتی سیاسی به روسیه فرستاد و در نامه ای در مورد هوش و نبوغ میرزا تقی خان چنین نوشت: «خلاصه این پسر خیلی ترقیات دارد و قوانین بزرگ به روزگار می گذارد. باش تا صبح دولتش بدمد.»

وی در این ماموریت که برای عذرخواهی از قتل الکساندر گریبایدف دیپلمات روس در ایران انجام شد، از تزار روسیه پوزش خواست و طوری عمل کرد که مورد تأیید و پسند تزار روسیه و دربار ایران قرار گرفت. امیرکبیر در سفر به روسیه شیفته مؤسسات فرهنگی، نظامی و اجتماعی آنجا شد و به این نتیجه رسید که راه ترقی ایران نیز داشتن دانشگاه و تشکیلات نظامی و فرهنگی منظم است.

دومین ماموریت وی ریاست هیات سیاسی ایران در سفر به ارزنة الروم برای حل اختلاف مرزی بین ایران و امپراتوری عثمانی بود. در این ماموریت که نزدیک به دو سال طول کشید وی توانست اختلاف مرزی را به نفع ایران پایان دهد و محمره (خرمشهر) و اراضی وسیع طرف چپ شط العرب را که مورد ادعای عثمانی ها بود به ایران ملحق کند. در همین ماموریت بود که اقدامات و پیشنهادهای مفید امیرکبیر، مورد عناد و حسادت حاج میرزا آقاسی قرار گرفت.

میرزا پس از مراجعت به پیشکاری ولیعهد منصوب شد. در همین زمان بود که محمد شاه قاجار درگذشت. ناصرالدین میرزا که قصد حرکت به تهران و نشستن بر تخت سلطنت را داشت نمی توانست حتی هزینه سفر خود و همراهان را به تهران تهیه کند؛ در این هنگام بود که امیرکبیر که آن زمان در تبریز و ملقب به امیرنظام بود با ضمانت شخصی پولی فراهم کرد و ناصرالدین شاه را به تهران آورد. اینگونه بود که وی مورد توجه ناصرالدین میرزا که حالا ناصرالدین شاه شده بود قرار گرفت و با اینکه درباریان حتی مهدعلیا - مادر ناصرالدین شاه که در زد و بندهای سیاسی خارجی دست داشت- مخالف وی بودند، هر روز بر مرتبه و مقامش در دستگاه ناصری افزوده می شد. ناصرالدین شاه در هجدهم ذیقعده سال ۱۲۶۴ هجری قمری به تهران رسید و در شب ۲۲ ذیقعده مقام صدارت عظمایی را به میرزا تقی خان اعطا کرد. این چنین بود که وی در زمانی کوتاه ملقب به امیرکبیر شد و از سوی ناصرالدین شاه به مقام صدراعظمی نایل آمد.

امیرکبیر در دوره کوتاه صدراعظمی با نبوغ خاص و احساسات پر شور میهن پرستی خود، توانست برنامه هایی را پیش برد که اهمیت آن ها در راه پیشرفت ایران و ایرانی غیرقابل کتمان است. در این دوران کشور در اوج فلاکت بود و سران مملکتی مشغول حیف و میل اموال بیت المال بودند. در اثر بی کفایتی حاج میرزا آقاسی خزانه مملکتی با ضعف شدید روبرو شده بود. امیرکبیر در این وهله با پی بردن به وضع ناهمگون کشور، شروع به تصفیه دستگاه دولتی و عزل و نصب ماموران لشگری و کشوری کرده و سعی کرد برای مشاغل مختلف افراد شایسته را بر سر کار آورد. وی با لغو برخی از مالیات های اضافی، دریافت مالیات ها را دارای نظام منسجم و مشخصی کرد. او همچنین حقوق گزاف درباریان را کاهش داد و از بذل و بخشش های بی دریغ در حوزه بودجه مملکتی جلوگیری کرد.

اصلاحات امیرکبیر اندکی پس از رسیدن وی به صدارت آغاز شد و تا پایان حکومتش که ۲۹ ماه (۲ سال و ۳ ماه) به طول انجامید، ادامه یافت. وی در این مدت نخست به امنیت داخلی پرداخت و در اولین گام، محمدحسن خان سالار را که در خراسان گردن کشی می کرد و از جانب روس ها و انگلیسی ها حمایت می شد، سرکوب کرد. او پس از برانداختن

سالار، اوضاع خراسان، فارس و بلوچستان را آرام کرد و در همه مناطق عشیره نشین و هر جا که ممکن بود آشوبی برخیزد قراول خانه ایجاد کرد و در سراسر مملکت امنیت را برقرار کرد. آنچنان که در دوره صدارت امیرکبیر ترکمانان که از مدت ها پیش از آن به نقاط دور و نزدیک مناطق اطراف خود حمله می کردند، به هیچ اقدام خلافی دست نزدند.

امیرکبیر در دوران صدارت کوتاه خود علاوه بر ایجاد امنیت و استقرار دولت، قشون ایران را به سبک اروپایی سر و سامان داد، برای اولین بار کارخانه های اسلحه سازی در ایران تاسیس کرد، امور قضایی را اصلاح کرد، به جرح و تعدیل محاضر شرع پرداخت و چاپارخانه ها را بنیان گذاشت. معافیت کشاورزان از پرداخت مالیات و تشویق صنایع و تولیدات کشاورزی داخلی به افزایش تولید از جمله دیگر اقدامات امیرکبیر در حوزه سیاست داخلی بود. امیرکبیر همچنین در حوزه سیاست خارجی نیز دست به اصلاحات فراوانی زد که به انتصاب افراد شایسته به عنوان سفیر در کشورهای دیگر انجامید. امیرکبیر همچنین موسس مدرسه دارالفنون بود که برای آموزش علوم و فنون جدید، به فرمان او در تهران تأسیس شد. علاوه بر این ها انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه نیز از جمله اقدامات ارزشمند امیرکبیر به حساب می آید.

اصلاحات امیرکبیر اما بر درباریان و کشورهای دیگر گران آمده بود. این چنین بود که برخی از سفارتخانه ها و همچنین درباریان وجود او را تاب نیاوردند و خواستار عزل وی شدند. اصلاحات امیر موقعیت مالی و نفوذ اجتماعی این دسته از رجال سیاسی و سفارتخانه ها را به خطر انداخته بود و حضورش در دربار ناصرالدین شاه همواره مورد مخالفت تعدادی از نزدیکان شاه از جمله مهدعلیا مادر شاه، اعتمادالدوله و میرزا آقاخان نوری قرار داشت. برخی از درباریان که امیرکبیر را مخالف منافع خود می دیدند، تهمت زدند که امیرکبیر داعیه سلطنت دارد. این چنین بود که آنان ناصرالدین شاه را فریب دادند و با این استدلال که امیر قصد توطئه علیه شاه را دارد وی را به عزل امیرکبیر ترغیب کردند. تحریک های مادر شاه و دیگر درباریان باعث ترس شاه شد، از این رو، حکم عزل امیرکبیر در روز ۱۹ محرم سال ۱۲۶۷ هجری قمری به وی ابلاغ شد. چهار روز پس از آن، میرزا آقاخان نوری به سمت صدارت منصوب شد.

امیرکبیر دو روز پس از عزل در بیست و پنج محرم سال ۱۲۶۸ هجری قمری به کاشان تبعید شد. اما با این وجود، مخالفان امیرکبیر در دربار، احتمال می دادند که امیرکبیر بار دیگر مورد عنایت شاه قرار گیرد و به قدرت بازگردد. بنابراین با کوشش فراوان توانستند حکم قتل وی را از ناصرالدین شاه بگیرند.

پس از آن بود که با توطئه درباریان از جمله مهدعلیا مادر شاه، امیرکبیر را در هجدهم دی ماه ۱۲۳۰ هجری شمسی در حمام فین کاشان با بریدن رگ دستانش به قتل رساندند. به روایت میرزا محمدجعفرخان، حقایق نگار خورموجی در کتاب مشهور «حقایق الخبار ناصری» پیکر امیر را روز بعد از قتل ابتدا در گورستان «پشت مشهد» کاشان دفن کردند اما چند ماه بعد، با تلاش همسرش عزت الدوله، پیکر امیرکبیر را به کربلا حمل کردند و در اتاقی که در آن به سوی صحن امام حسین(ع) باز می شود به خاک سپردند.»